



جمع آوری معتادان متجاهر در پایتخت

دیروز مأموران پلیس در عملیات «والعادیات ۲» در مناطق هرندی، مولوی و شوش تهران بیش از هزار معتاد متجاهر و ۳۳۵ خرده فروش موادمخدر را دستگیر کردند. پس از آن، حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران گفت: «از این افراد بیش از ۱۷۰ کیلوگرم موادمخدر کشف و ضبط شد.» او ادامه داد: «در ده روز گذشته یک عملیات همه جانبه علیه قاچاقچیان عمده هشت باند قاچاق مواد مخدر هم داشتیم. این باندها منهدم شدند و از آن ها هم ۲۱۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف شد و ۳۳۲قاچاقچی عمده نیز دستگیر شدند.» او افزود: «بیش از هزار معتاد متجاهری که در این طرح دستگیر شدند، برای بازپروری به مرکز بازپروری فضاغویه منتقل می‌شوند همچنین خرده‌فروشان مواد مخدر و قاچاقچیان عمده نیز تحویل مقامات قضایی خواهند شد.»

رحیمی همچنین گفت: «میدواریم دیگر این معتادان را در سطح شهر نبینیم. وظیفه ما دستگیری و تحویل آن‌ها به مراکز بازپروری از جمله سازمان بهزاری است و وزارت بهداشت است و این همت این سازمان‌ها را می‌طلبد تا این افراد با بازپروری نتوانند دوباره به زندگی خوب و به جامعه برگردند و ما انقدر این طرح را ادامه می‌دهیم تا جامعه از این افراد پاک شود.» او افزود: «دیگر مسئولان نیز باید برای معتادان متجاهری که از خانواده رانده شده‌اند و به سطح خیابان آمدند فکری بکنند، چرا که اغلب این افراد به بیماری‌های مسری از جمله ایدز و هیپاتیت مبتلا هستند. معتمد این معتادان متجاهر نیز شهروندان جامعه هستند و اگر چه دارای بیماری خاص هستند و این بیماری را به دیگران نیز منتقل می‌کنند باید برای آن‌ها فکری اساسی شود.»

معتاد متجاهر، معتادی است که در ملامع اقدام به مصرف مواد می‌کند. آنان هیر روز در دل یک ماجرای تازه‌اند؛ روزی کارت‌ن خوابی‌شان موضوع گفت‌وگوهاست روزوی گور خوابی‌شان. پیشتر محمدمسعود زاهدیان، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا، گفته بود که «جمع آوری و پاکسازی نقاط آلوده شهر تهران از «لوث» معتادان متجاهر یکی از اولویتهای اصلی این پلیس است.»

بااین همه تاکنون هر اقدامی که برای مقابله با معتاد متجاهر انجام شده است، از جمع آوری آنان و پاکسازی محلات از «لوث» وجودشان گرفته تا برخورداری جهادگونه و ضربتی و گازانبژی، کمتر نتیجه داده و باز آنها به گوشه‌ها و کنج‌های شهرها بازگشته‌اند. طبق قانون اگر فرد معتاد با وجود بستر مناسب برای درمان وجود همه امکانات حاضر نشد برای ترک اقدام کند، متجاهر شناخته شده و در چنین شرایطی، ناگزیر باید او را به مراکز درمان اجباری ارجاع داد.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران:

باغی واقع در آجدانیه با وسعت ۴۸۹۵ مترمربع براساس گزارشات موجود دارای ۴۲۰ اصله درخت بوده و به عنوان باغ شناخته شده بود که ۴۴ اصله درخت در آن خشک شده و ۶۹ اصله درخت هم کسر شده است.

سختگوی ثبت احوال کشور:

در طول ۹ ماهه اول سال ۴۸۱ هزار و ۸۰۹ ازدواج به ثبت رسیده است. در همین مدت ۱۰۷۶ ازدواج ثبت شده مربوط به زنان سالمند بالای ۶۰ سال و ۷۸۱۲ ازدواج مربوط به مردان بالای ۶۰ سال است.



محمد درویش

کارشناس محیط‌زیست

از مناطق توانسته مقاومت کند و پارچماند. اما شگفت‌آور آنکه از بین ده‌ها گونه‌ای که در طرح تثبیت این چشمه‌های تولید گرد و خاک جدید مورد استفاده قرار گرفته یا می‌گیرد، خبری از آشناسان نبود؛ در عوض از انجیر معابد بگری تا خرا و حتی نارنج برای نهال کاری در آن عرصه‌های خشک و شور وجود داشت و قرار بود به‌صورت آزمایشی مورد استفاده قرار گیرد.

نکته تامل‌برانگیزتر دیگر آنکه به گفته فرماندار هندیجان؛ کوروش مودت، بحران کمبود آب و نبودِی اراضی کشاورزی درست از زمانی دامن هندیجان را گرفت که سد کوثر روی رودخانه زهره

چشمه‌های تولید گردو خاک در هندیجان را چگونه مهار کنیم؟

در استان کهگیلویه و بویراحمد ساخته شد و حقایق هندیجان به‌شدت کاهش یافت. مودت این را هم اضافه کرد: «می‌گویند سد در همه‌جا خوب است اما برای مردم هندیجان که از سم هم بدتر بود!» البته ایشان خبر ندارند که سدها بد هستند، مگر اینکه خلافتش ثابت شود و نه برعکس. به‌هر حال آنچه که به نظر می‌رسد برای احیای توان تاب‌آوری خوزستان باید در اولویت‌مدیران ارشد کشور قرار گیرد؛ نه فقط فرماندار وجود آب مازاد و اظهارنظر جنجالی عیسی کلاتری دارد – که سبب شد پنج‌شنبه گذشته در بزرگترین گر ده‌مایی مردمی در اهواز،



مرگ بر اثر سهل‌انگاری پزشکی یا جراحی زیبایی

مرگ قهرمان ژیمناستیک با جراحی زیبایی

سارا اغضنفری

روزنامه‌نگار

اسمش را که سرچ می‌کنید انواع مختلف موفقیت‌ها به دنبال اسمش می‌آید. قهرمان ژیمناستیک استان مرکزی و یکی از مربیان زن در این حوزه بود. یک روز می‌رود بینی‌اش را عمل ساده زیبایی انجام دهد و بعد از آن دیگر بر نمی‌خیزد. پریسا خدری، ورزشکار رشته ژیمناستیک که حدود دو ماه پیش در حین انجام عمل جراحی زیبایی بینی در مرکز جراحی «شفا» به کما رفته بود پس از حدود دو، ماه سه‌شب پیش فوت کرد. طبق گفته خانواده این ورزشکار زن، او حدود یک ماه و خرده‌ای در بیمارستان ابن سینا تهران در کما بود، سپس به بیمارستان امیرالمؤمنین(ع) اراک منتقل شد و در آن بیمارستان فوت کرد. طبق گفته پزشکان و خانواده پریسا هیچ سابقه بیماری‌ای نداشت و نحوه مرگ او شائبه قصور پزشکی در حین جراحی را بیشتر می‌کند. خانواده پریسا از این ماجرا به محاکم قضایی شکایت برده‌اند، اما به قول پدرش «دخترم که دیگر زنده نمی‌شود.» وقتی با خانواده‌اش تماس می‌گیرید صدای‌شان گرفته است، انگار رمقی ندارند. اما خواهر پریسا راضی می‌شود با «جامعه فردا» گفت‌وگو کند تا بگوید در این دو ماه چه بر پریسا گذشته است. ندا دو ماه بالای سر خواهرش بوده تا شاهد بازگشت او به زندگی باشد، امیدی که حالا می‌گوید عبث بود. او از ابتدای ماجرا را این‌گونه تعریف می‌کند: «پریسا ۲۲ ساله و قهرمان ژیمناستیک بود. که ماه پیش برای عمل زیبایی بینی به مرکز جراحی شفا در تهران می‌رود. طبق گزارش تیم پزشکی،



امکانپذیر نیست، زیرا شرایط تحصیلی در مناطق مختلف به‌طور یکسان نیست. تازمانی که آموزش و پرورش نتواند از من هو استاندارد در دوره متوسطه را بر گزار کند این مشکل همچنان باقی است. اما در این شرایط هم طبق ماهه ۲۳۶ آیین‌نامه مجلس می‌توان به این مسئله ورود کرده و به عنوان تخلف با دستگاه مربوطه برخورد کرد.»

سیدجواد ساداتی نژاد، عضو کمیسیون آموزش مجلس، هم تأیید کرده که «وزارت آموزش و پرورش وظیفه خود را انجام نداده است. بنابراین وقتی آموزش و پرورش این آزمون‌ها را برگزار نکرده و قانون اجرائی نشده است نمی‌توان انتقاری بیش از این داشت.»

شرکت‌کنندگان جملگی خواستار عزل وی از ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست شوند- و نه ربطی به استقرار گونه‌های مهاجم، غیربومی یا نامتناس با خواهش‌های بوم‌شناختی منطقه دارد. فقط کافی است اجازه دهیم تا عرصه‌های که به‌صورت طبیعی هزاران سال است کاربری تالابی و کنار تالابی داشته‌اند مثل منطقه دهنو در هندیجان و اراضی اطراف بزرگراه اهواز/ماهشهر، دوباره حقایق خود را به‌دست آورند. همچنین، تجربه موفق آگیری هورالعظیم باید ادامه یافته و از محل ارتقای راندمان کشاورزی، کاهش ضایعات، محدود کردن کشت و صنعت نیشکر،

اراک رقتم، اما وقتی دیدمش نشناختمش. هیچ چیزی از خواهر من نمانده بود. با صورت تکیده در کما بود. در آی‌سی یو بیمارستان ابن‌سینا ما یک ساعت بالای سر پریسا می‌رفتم و در بیمارستان اراک این اجازه را به مامنی دادم و فقط سه دقیقه می‌توانستم ببینیمش. ما می‌گفتیم چرا پای بیمار را مثل ابن‌سینا نمی‌بندید که بدنش خشک نشود؛ می‌گفتند خواهر شما دارد می‌میرد؛ چرا آن‌قدر ماجرا را جدی گرفتید؟ ما خودمان می‌دانیم خانواده عصبی بودندند، ولی حداقلش این است که پاسخ خانواده بیمار را بدهند. ما در خواست کردیم با هزینه خودمان مکمل غذایی تزریق کنند؛ گفتند بچه شما می‌میرد. چرا اصرار می‌کنید؟ این حرف‌ها را یک پرستار نمی‌گفت، بلکه سوپروایزر و دکتر می‌گفتند.» خانواده پریسا خدری از مرکز جراحی شفا و تیم پزشکی شکایت کرده‌اند و حالا قصد دارند از بیمارستان امیرالمؤمنین و نحوه رفتار کادر پزشکی آنجا شکایت کنند. خانواده می‌گویند اگر ما پیگیری می‌کردیم کلینیک شفا پیگیر مشکل ما بود، اگر نه، خودشان اصلا به سراغ‌مان نیامدند. ما پیش کارشناسان پزشکی که رفتم گفتند در این ماجرا مقصرین چند گروه هستند. «تیم پزشکی مقصر است که نتوانست علائم حیاتی بیمار را خوب متوجه‌شود. همچنین خود مرکز جراحی مقصر است، چون یک دستگاه برای چهار اتاق عمل دارد. همچنین یک مشکلی داشته باشد و دیرتر شرایط ضرابان قلبش را نشان داده باشد چون حتی اگر ۲۰ ثانیه هم به مغز خون نرسد عارضه ایجاد می‌شود.» همچنین درباره نحوه تأمین هزینه مالی توسط مرکز جراحی شفا و این که گفته‌اند دیگر هزینه‌ها را تقبل نمی‌کنیم این عضو تیم جراحی می‌گوید: «از طرف ما نیاز نبود اما هزینه‌ای پرداخت شود و می‌توانستم منتظر دیه بمانم، اما هر کدام یک مبلغی به آنها کمک کردیم. از لحاظ حقوقی کلینیک موظف است با بیمارستان ماهنگ باشد تا در صورت نیاز، بیمار به ICU برود. اگر کلینیک خودش بیمار را بستری کرده باشد موظف است تأمین هزینه کند، تا بعد که مشخص شد چه کسی مقصر است هزینه‌ها پرداخت شود.» در مورد گرفتن چک سفید امضا از پدر مرحوم پریسا خدری، این عضو تیم جراحی می‌گوید: «ما نبود برایشان بیمارستان دولتی (شهادی هفتم تیر) را فراهم کردیم، ولی رضایت ندادند. حتی گفتیم هر چقدر کلینیک، بیمارستان و پزشک مقصر باشند در صد دارند و ممکن است یک درصد هم بیمار مقصر باشد و مجبور شوید هزینه‌ها را بپردازید، اما ایشان خودشان هزینه‌های بالایی بیمارستان خصوصی را بپردازند! اگر بازگشت پریسا ممکن نبود.»

طبق گزارش تیم پزشکی، در حین عمل خواهر من ایست قلبی می‌کند که احیایش می‌کنند و بعد از بازگشت عمل جراحی را ادامه می‌دهند. اشتباه اول‌شان این بوده که فشار را بیش از حد پایین می‌آوردند که منجر به ایست قلبی بیمار می‌شود و تشنج بعدی این بوده که عمل را ادامه دادند. بعد بیمار را به ریکواری می‌برند، با این تفکر که حال بیمار خواهر من به ساعت خواب من در ریکواری بود تا به هوش بیاید، بعد پدوم پیگیری می‌کنند که چرا آن قدر بیرون آمدنش طول کشیده. آن وقت گفتند خواهرم به داروی بیهوشی حساسیت داشته و باید آمبولاس پیگیر تا به بیمارستان طرف (بیمارستان ابن‌سینا) برویم

البته این فرد نمی‌گوید خانواده‌ای که دخترش را سالم تحویل داده و در کما تحویلش گرفته لاقول حق دارد بیمارستان دخترش را تعیین کند. پرونده پریسا در پزشکی قانونی در حال بررسی است؛ فقط یک سؤال می‌ماند: پزشکی که قرار بود معاینه او در تکرار پرونده‌های قصور پزشکی شود، چرا از تکرار آن جلوگیری نمی‌کند.

رسیدگی شود.

پارسال ۳۵۰ هزار صندلی در دانشگاه‌ها خالی‌ماند؛ صندلی‌هایی که البته مال دانشگاه‌های بولی بودند. بررسی کنکورهای بر گزار شده در سال‌های اخیر هم خبر از کاهش ظرفیت دوره‌های روزانه دانشگاه‌ها دارد؛ به گونه‌ای که در آزمون سراسری سال گذشته، در مجموع ۱۲۹ هزار و ۵۱۶ ظرفیت به دوره‌های روزانه و بدون شهریه و ۶۲۰ هزار و ۷۵۲ ظرفیت به سایر دوره‌ها که با دریافت شهریه است، اختصاص یافت؛ این یعنی چیزی بیش از ۸۰ درصد پذیرش دانشگاه‌ها سوی دوره‌های شهریه‌ای همچون شبانه، پردیس و... هدایت شدند. هم آموزش و پرورش و هم سازمان سنجش از حذف کنکور ناتوان مانده‌اند. علی‌عبدالمالی، پژوهشگر حوزه آموزش و دانشیار دانشگاه علم و صنعت، هم می‌گوید: «مؤسسه‌های کنکور چنانکاران هوشمندند. مافیایی نامعلوم با معلوم در حال کنترل آموزش و پرورش است.» او می‌افزاید: «۱۳ میلیون دانش‌آموز در مدارس مشغول تحصیل هستند که یک میلیون نفر از آنها کنکوری می‌کند؛ اما یک‌سوم یا یک‌چهارم آنها که حدود سه میلیون نفر می‌شوند، مشتری کنکور آزمایشی‌اند. همین کنکورها، در سال بالغ بر هزار میلیارد تومان گردش مالی دارد و از محل چاپ کتاب‌های کمک‌آموزشی نیز به همین میزان پول نصیب مؤسسات خصوصی می‌کند؛ یعنی ۲ هزار میلیارد تومان. عبدالعالی تأکید کرده بود: «باید اعتراف کنیم که تصمیم‌گیرندگان اصلی آموزش و پرورش ما وزیر و معاون وزیر نیستند، بلکه آنهاهی هستند که صنعت کنکور را به دست دارند.»